www.INN.ir

ایران ورزشی

۲۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران ■ سال بیست و چهارم ■ شنبه ۱۵ آذر ۱۳۹۹ ■ شماره ۶۶۴۱ ■ Dec 5 - 2020 ■ ۱۹ ربیع‌الثانی

صیادمنش، افتخار جدید فوتبال ایران

اللهیار قاتل غول انگلیسی

صفحه ۲

شماره شش غایب قطعی بازی با نفت و شهرخودرو

ریگی رفت تا یک ماه بعد

صفحه ۶

کارشان تمام شد، استاد استاد یادشان رفت

چراغپور: قرارداد سرمربی ۱۲ برابر من بود

صفحه ۳

با من توافق کردند سراغ ویلموتس رفتند

دایی: در پرسپولیس فعلاً فورواردی در حد آل کثیر وجود ندارد

آقای گل فوتبال جهان از جای خالی مهاجم خوزستانی در فینال آسیا گفته است

تمجید دایی حسرت بیشتر آل کثیر

موضع پرسپولیسی ها در قبال مخالفت نساجی:

ترسیدند در تهران بازی کنند

صفحه ۷

پرسپولیس برای ایزوله شدن به اردو رفت

بعد از لغو نساجی، شاید ذوب آهن هم لغو شد

صفحه ۷

یحیی خطاب به بازیکنان:

حتی اگر هوادار ناراحت شد باز هم عکس بگیرید

قول دیاباته برای رسیدن به دربی

شیخ در خط بازگشت

صفحه ۶

بازخوانی یک جنجال تازه

پارادوکسی به نام «نیمار – مسی»

صفحه ۵

گفتمان خودمانی سرمربی تیم ملی با درخشان

اسکوچیچ حامی تیم جوانان

صفحه ۲

مصاحبه کریم باقری با رویترز:

قهرمانی آسیا برای خانواده فوتبال ایران افتخار است

صفحه ۷

CAS خواسته پرسپولیس را قبول کرد

شکایت فدراسیون بسکتبال به فیبا آسیا به خاطر استفاده از داوران عرب

فرافکنی به سبک همیشگی

صفحه ۴

پیام تکراری به فکری

دستیار بیاور!

صفحه ۶

اوضاع تیم ملی آلمان مانند سابق نیست

لوتار ماتئوس: لواندوفسکی بهترین بازیکن دنیا است

صفحه ۵

مدار؟ کدام مدار؟

یادداشت

شهاب اخلاقی ■

لابد شما هم ویدئوی صحبت های جدید علی فروغی، رئیس شبکه سوم سیما که پنجشنبه گذشته حسابی بین اهالی فوتبال و رسانه دست به دست می‌شد را دیده‌اید. صحبت هایی که زخم عمیق قدیمی را دوباره باز کرده است.

فروغی اگر صد عیب داشته باشد، در این ویدئو نشان داده که یک حسن بزرگ دارد و آن هم این است که موضوع را خیلی سر راست و کاملاً صادقانه مطرح کرده. خلاصه و اهم صحبت های او که حسابی جنجالی شده این است: «دیگه نمی‌شد این جوری ادامه داد. نه محبوبیت ایشون برای ما پنهان بود، نه تخصص ایشون برای ما پنهان بود. منتها بهترین دروازه‌بان را هم اگر ببینید در خط دیگری کار می‌کند یکی دیگر را باید بگذارید دروازه. در واقع مهم این بود که کار داشت از مدار خارج می‌شد. بقیه هم داشتند نگاه می‌کردند که اگر کسی به او به خاطر محبوبیت چیزی نمی‌گفت صدا و سیما از هم می‌پاشید. ناگزیر از این تصمیم بودیم. البته مظلوم نمایی می‌کند. در همین یک سال اخیر یک میلیارد تومان از مطالبات ایشان را داده بودیم. ایشان بالاخره کارمند رسمی سازمان است. نوبت ترفیع ایشان هم رسیده بود که با امضای من انجام شد.»

در واقع حرفی که مدت‌ها است طرفداران عادل فردوسی‌پور در این سال‌ها زده‌اند را حالا فروغی با زبانی ساده مطرح کرده: «هم تخصص داشت هم محبوب بود اما در مدار نبود.»

«مدار» احتمالا از این پس به یکی از کلمات محبوب رسانه‌ای تبدیل می‌شود حتی پایش به بحث‌های سیاسی هم کشیده می‌شود. مطمئن باشید در ماه‌های آینده بارها این کلمه تیتر خواهد شد و از زبان شخصیت‌های سیاسی شنیده می‌شود. در همین دوروزبسیاری درباره «در مدار بودن یا نبودن» مطلب نوشته‌اند و حالا حوزه فرهنگی و حتی سیاسی یک کلیدواژه جدید پیدا کرده است. کلیدواژه‌ای که اتفاقاً در همین بحث عادل و شبکه سه هم مهم و قابل تأمل است. فردوسی‌پور بارها در صحبت هایش تأکید داشته که «فرزند رسانه ملی» است. او هیچ‌گاه علیه تلویزیون موضع نگرفته و حتی این روزها که دیگر کم‌کم دو سالی می‌شود صدا و تصویرش روی آنتن نمی‌رود هم حاضر نیست علیه صدا و سیما، شبکه سه و حتی علی فروغی مصاحبه کند. هرچه هست صحبت های اطرافیان او است. موضع عادل همیشه سکوت بوده. اما چرا فروغی به راحتی می‌گوید او در مدار نیست؟ شاید دلیلش تعریف متفاوت مدار از نگاه دو طرف باشد. صدا و سیما مثل هر ارگان رسانه‌ای دیگر حق دارد - و باید - برای خودش اصول و مقرراتی داشته باشد. درست مثل هر جای دیگری این قوانین و اصول ممکن است به طور کامل مورد تأیید کارکنان نباشد اما آنها ملزم هستند اهداف سازمانی را سرلوحه کار خودشان قرار دهند. فردوسی‌پور هم قطعاً در ۲۰ سالی که برنامه‌اش در بهترین ساعت ممکن در هفته روی آنتن بود در جهت همین هدف‌ها حرکت می‌کرده. او قطعاً در مدار صدا و سیما بوده که آنتنش را در اختیار داشته اما مسأله این است که تیم جدیدی که کم‌کم دارد همه صندلی‌های صدا و سیما را به دست می‌آورد، مداری جداگانه برای خودش تعریف کرده که ظاهراً حتی مورد تأیید همه مدیران سازمان هم نیست. تیم جوان و تازه‌نفس مشکلاتی ریشه‌ای با مدیران قدیمی دارد و پایه‌های این کشمکش را می‌توان در تغییرات مدیریت سیما در چند ماه اخیر هم مشاهده کرد.

مدار جدید ظاهراً عمق میدان کمتری دارد و محورش کوچکتر است. در نتیجه حتی سرمایه‌هایی مثل فردوسی‌پور که حاضر نیستند به صدا و سیما پشت کنند هم در آن نمی‌گنجند و این فقط تلویزیون ملی کشور است که از نبود آنها متضرر می‌شود.

سرمقاله

آرمن ساروخانیان ■ @armen7791

پیش از سفر به قطر ابهامات زیادی درباره موفقیت نمایندگان ایران وجود داشت. چهار نماینده ایران درست بعد از پایان لیگ نوزدهم وارد مرحله گروهی لیگ قهرمانان شدند و این به معنی جدایی تعدادی از بازیکنان اصلی این تیم‌ها بود که می‌خواستند فوتبال را خارج از ایران دنبال کنند. پرسپولیس بعد از چهارمین قهرمانی متوالی در لیگ برتر بیشترین تغییرات را تجربه کرد و مجبور شد در چند پست کلیدی سراغ گزینه‌های جدید برود. جدایی بیرانوند از مدت‌ها پیش قطعی شده بود و پرسپولیس تصمیم گرفت پیراهن شماره یک را به حامد لک بسپارد، ولی دغدغه اصلی تقویت بخش حمله بود که با جدایی ترابی و علیپور با حفره بزرگی روبه‌رو شده بود. این دو نقش پررنگی در قهرمانی داشتند و ۲۳ گل پرسپولیس در لیگ نوزدهم، یعنی دقیقاً نصف گل‌ها به نام آنها ثبت شد. با قانون جدید سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال این بار پرسپولیس نمی‌توانست سراغ گزینه‌های خارجی برود، هرچند از چند مهاجم خارجی اخیرش جونیور براندائو، اوساگونا و استوکس هم خاطرات خوشی نداشت. پرسپولیس در بازار محدود مهاجمان داخلی سراغ عیسی آل‌کثیر و آرمان رمضانی رفت و برای جانشینی ترابی، پهلوان را انتخاب کرد. با تصمیم کادر فنی، پرسپولیس ادامه لیگ قهرمانان آسیا را با زوج امیری و آل‌کثیر در خط حمله شروع کرد. مهاجم خوزستانی در لیگ نوزدهم برای نفت آبادان ۱۲ گل زده بود، ولی تردیدهایی وجود داشت که شاید نتواند در پرسپولیس همان بازدهی را داشته باشد. آل‌کثیر در دو بازی با التعاون که پرسپولیس یک بر صفر برنده شد و در شکست برابر الدحیل گل نزد تا تردیدها پررنگ‌تر شود، با این حال گروه دیگری خوشبین بودند که این طلسم می‌شکند و او دیر یا زود به مهاجم کلیدی پرسپولیس تبدیل می‌شود. دلیل این خوشبینی نمایش نسبتاً خوب آل‌کثیر بود. او تحرک زیادی داشت، در نبردهای تن به تن اکثراً برنده می‌شد، جایگیری خوبی داشت و چند ضربه‌اش هم با بدشانسی گل نشد. در بازی سرنوشت‌ساز با شارجه سرانجام طلسم آل‌کثیر شکست و او یکی از چهار گل پرسپولیس را زد. این گل در بهترین زمان زده شد و در آستانه مرحله حذفی فشار روحی را از روی دوش این مهاجم برداشت. در بازی حساس با السد، یکی از بهترین تیم‌های غرب آسیا، آل‌کثیر تهدیدی دائمی برای مدافعان تیم قطری بود و سرانجام در اواخر بازی گل صعود پرسپولیس را زد. در بازی یک چهارم نهایی با پاختاکور هرچند اخراج ماشاریپف کار را ساده‌تر کرد، ولی حریف ازبک به راحتی تسلیم نشد تا اینکه دو گل آل‌کثیر حکم صعود از این مرحله را هم امضا کرد. به نظر می‌رسید پرسپولیس گلزنی که دنبالش بود را پیدا کرده است. حتی برخی معتقد بودند که او در آیتم‌هایی مثل قدرت بدنی، عبور از یار مستقیم و ضربه به دروازه مهاجم کامل‌تری از علیپور است. با هماهنگ شدن بازیکنان جدید و کنار زدن الدحیل، السد و پاختاکور همه چیز برای رسیدن به فینال آماده بود، ولی ساعتی مانده به بازی با النصر خبر محرومیت آل‌کثیر به خاطر شادی گل خاصش مقابل حریف ازبک شوک بزرگی به تیم وارد کرد. پرسپولیس در نهایت توانست النصر را هم در ضربات پنالتی شکست دهد و به فینال لیگ قهرمانان برسد، ولی از آن زمان جای خالی آل‌کثیر را کاملاً احساس می‌کند. پرسپولیس در سه بازی اول لیگ بیستم تنها یک گل از روی نقطه پنالتی زد و عبدی، امیری و رمضانی در باز کردن دروازه حریفان ناکام بودند. پرسپولیس در بازی چهارم هرچند سه گل به شهر خود دوزد، ولی باز هم در فهرست گلزنان خبری از مهاجمان نبود. هرچند در این ۳۶۰ دقیقه گلی به نام مهاجمان ثبت نشده، پرسپولیس در لیگ برتر وضعیت نسبتاً خوبی دارد، با این حال دغدغه اصلی هواداران فینال لیگ قهرمانان است که پهلوان، امیری و مهم‌تر از همه آل‌کثیر محروم هستند. علی دایی، گلزن و سرمربی اسبق پرسپولیس درباره غیبت آل‌کثیر در فینال لیگ قهرمانان آسیا می‌گوید: «پرسپولیس پتانسیل قهرمانی را دارد. ولی متأسفانه از نظر من یک فوروارد تمام کننده کم دارد. اگر آقای آل‌کثیر محروم نمی‌شد مطمئناً می‌گفتم که پرسپولیس ۸۰ درصد شانس برای قهرمانی دارد.» دایی درباره تأثیر این مهاجم اضافه می‌کند: «پرسپولیس در چند مدت اخیر علیپور، طارمی و ترابی را هم از دست داده است. با احترامی که برای تمام بازیکن‌های تیم و فورواردهایش قائلم ولی در حال حاضر در تیم فورواردی که بتواند کار را تمام کند و در حد و اندازه نفراتی که نام بردم باشد وجود ندارد. اگر دقت کرده باشید می‌بینید که عیسی در چند بازی که حضور داشت یک تنه جور خط حمله را به دوش می‌کشید. خیلی بازیکن مؤثری بود.» گل‌محمدی تلاش کرده در بازی‌های اخیر لیگ ترکیب پرسپولیس برای فینال را شبیه‌سازی کند و فرمول‌های مختلفی را آزمایش کرده، ولی هنوز نتوانسته به راه حل مؤثری برسد. آل‌کثیر در ۳۰ سالگی به پرسپولیس پیوست و بعد از درخشش در لیگ قهرمانان شهرت و اعتباری کسب کرد که می‌توانست خیلی زودتر به آن برسد. با این حال او هنوز فرصت داشت دیر رسیدن به بالاترین سطح فوتبال ایران را با درخشش در فینال لیگ قهرمانان آسیا و لیگ بیستم جبران کند، ولی این محرومیت عجیب فعلاً او را خانه‌نشین کرده است. تمجید دایی که یکی از بهترین مهاجمان تاریخ فوتبال آسیاست نشان از کیفیت فنی بالای آل‌کثیر دارد، ولی شاید حسرت او برای پوشیدن دوباره کفش‌های فوتبال و دویدن و گل زدن روی زمین چمن را بیشتر کند.

گل‌محمدی تلاش کرده در بازی‌های اخیر لیگ، ترکیب پرسپولیس برای فینال را شبیه‌سازی کند و فرمول‌های مختلفی را آزمایش کرده، ولی هنوز نتوانسته به راه حل مؤثری برسد

هیتلر هم نتوانست مهاجم بسازد!

یادداشت

احسان محمدی ■

«پرسپولیس تمام کننده ندارد» الان بیشتر از جملات منتسب به دکتر علی شریعتی، کوروش کبیر، حسین پناهی و پروفسور سمیعی در فضای مجازی تکرار می‌شود. ماجرا حتی به قبل از آمدن عیسی آل‌کثیر برمی‌گردد. هنوز جوهر نقدهای تند و تیزی که به آل‌کثیر وارد می‌شد خشک نشده. او از نفت آبادان یکراست به بازی‌های لیگ قهرمانان آسیا پرتاب شد. بدون برگزاری حتی یک دیدار رسمی در ترکیب قرار گرفت و وقتی در دو بازی اول خوب نبود، تند و تلخ و گزنده تاختیم که حق مهدی عبدی است که بازی کند چراکه با تمسفر تیم آشنا است و آل‌کثیر یک خرید باطل است. اضافه وزن دارد، سنش زیاد است و با هافبک‌ها جور نیست و... باور نمی‌کنید؟ بروید سایت‌ها و روزنامه‌ها را در هفته آخر شهریور و هفته اول مهر بعد از بازی مقابل التعاون و الدوحیل بخوانید اما همین که گل زد به فرشته تبدیل شد. مثل لواندوفسکی و رونالدو و مسی به قهرمان بدل شد. همان‌ها که تکه پاره‌اش کردند چنان در تحسینش نوشتند که انگار ۲۰۰ گل برای باشگاه به ثمر رسانده. او گل‌های بی‌نهایت سرنوشت‌سازی زد اما نه به آن نقدهای ویرانگر، نه به این تحسین‌های دیوانه کننده!

علی علیپور در فصل آخری که برای پرسپولیس بازی کرد هم مورد نقدهای تند و تیز قرار گرفت. گفتند و نوشتند که مهاجم تمام کننده نیست، تنها مهاجم تیم است و چوب خشک هم جایش باشد وقتی این همه توپ برایش می‌فرستند بیشتر گل می‌زند، اصلاً گل زدن بلد نیست، این چند وقت هم به خاطر بی کسی پرسپولیس به او بازی رسیده. علیه‌اش شعار دادند، دلخور شد، در فضای مجازی گله کرد و در انتهای فصل رفت. بازیکنی که حتی آقای گل لیگ شده بود را تا سر حد یک بازیکن معمولی پایین آوردند.

تصور کنید این بازیکنان همین الان به ایران برگردند. کاوه رضایی، الهیار صیادمنش، علی کریمی و امید ابراهیمی به استقلال، سردار آزمون، میلاد و مهرداد محمدی به سپاهان، مهدی طارمی، علی علیپور، صادق محرمی، رامین رضاییان و مهدی ترابی به پرسپولیس، علی قلی‌زاده به سایپا، سامان قدوس و رضا قوچان‌نژاد به تراکتور، سعید عزت‌اللهی و علیرضا جهانبخش به نساجی، شهریار مغانلو به پیکان و... تصور کردنش که محال نیست. آیا لیگ ما باز هم تا این اندازه دچار بحران گلزنی می‌شد؟ آیا فوتبال ایران با خارج شدن ستاره‌های هجومی‌اش استعداد ۱۸ تیم بودن را دارد؟ آیا اگر امکان جذب مهاجمان خارجی جدید در این لیگ وجود داشت باز هم آمار گلزنی تا این اندازه رقت‌انگیز بود؟

هیچ تضمینی وجود ندارد و با خیال و محال هم نمی‌شود به لیگ ادامه داد. چاره «تولید و تقویت مهاجم گلزن» است. سال‌ها است در فوتبال ایران به جز تک ستاره‌های معدودی با بحران گلزن و تمام کننده مواجهیم. در دو فصل اخیر بازیکنان خارجی آقای گل شده‌اند. شیخ دیاباته با ۱۵ گل، استنلی کیروش و شیمبا به صورت مشترک با ۱۶ گل. که البته تعدادی از این گل‌ها را هم از نقطه پنالتی زده‌اند. بازیکنان ایرانی به زحمت و حتی با زدن پنالتی به آنها کمی نزدیک شدند. اینکه مهاجم یک تیم بزرگ وقتی همه تیم در خدمت او هستند در یک فصل ۷-۸ گل بزند که آمار فوق‌العاده‌ای نیست؟

تصور عمومی این است که «گلزن باید مادرزاد باشد». در اینکه استعداد ذاتی مهم است شکی نیست اما استعداد به تنهایی کافی نیست. همانطور که قد بلند برای بسکتبالیست شدن اگرچه فاکتوری ضروری است اما کافی نیست، در کنارش باید از خردسالی مهارت‌های بسکتبال آموزش داده شود. آیا در مدارس فوتبال ما به صورت ویژه برای استعدادهایی که در گلزنی مهارت دارند، برنامه و کلاس آموزش داریم یا «حالا بزرگ می‌شه یاد می‌گیره» هنوز یک استراتژی است؟

یکی از اصول پایه و مقدماتی در فوتبال، تکنیک کنترل توپ (استپ کردن) است. بازیکن و به ویژه مهاجم که معمولاً فضای اندک و زمان بسیار کوتاهی برای لمس توپ دارد باید بتواند با تمام بدنش توپ را به شکلی مهار کند که از بدن و کنترلش خارج نشود تا مدافعان و دروازه‌بان‌ها نتوانند آن را از دسترسش خارج کنند. این چیزی نیست که امیر قلعه‌نویی، یحیی گل‌محمدی، محمود فکری، محرم نوید کیا، علیرضا منصوریان و... بتوانند در باشگاه به بازیکنان یاد بدهند. نه زمانش را دارند و نه بازیکن بزرگسال حوصله تمرین و البته آمادگی ذهنی یاد گرفتن.

این تنها یک مهارت پایه‌ای است که بسیاری از مهاجمان ما در سطح اول ندارند. توپ را که با پا، سینه یا سر کنترل می‌کنند آنچنان از آنها فاصله می‌گیرد که عملاً امکان ضربه زدن به سمت چارچوب وجود ندارد. همین یک فاکتور برای سنجش میزان آموزش مهاجمان ما از کودکی شاید کافی باشد.

با ضرب و زور رسانه‌ها، اخم و تخم سرمربی در تیم بزرگسالان یا دستور دادن به مادران در زایشگاه‌ها نمی‌شود گلزن به دنیا آورد یا یک نفر را وادار به گلزنی کرد. «آموزش و تمرین» می‌خواهد. گل زدن هنر است، حتی هنرمندهای مادرزاد هم نیاز به آموزش دارند. هیتلر هم باشید نمی‌توانید دستور بدهید یک نفر گلزن تمام عیار شود.

فدراسیون تیراندازی و سرمربی تیم ملی به صلح رسیدند

پرچم‌های سفید بالا رفت

ایران ورزشی - بعد از مدت‌ها دلخوری و بالا گرفتن اختلاف‌ها بین مسئولان فدراسیون تیراندازی و سرمربی تیم ملی و ملی‌پوشان، بالاخره دو طرف پرچم سفید را بالا بردند تا چند ماهی که به المپیک مانده، در آرامش سپری شود.

از آخر مرداد ماه تا اوایل آذرماه تمرینات تیم ملی تیراندازی تحت تأثیر پایان مدت قرارداد سرمربی تیم ملی قرار گرفت که البته برخلاف تصور مسئولان فدراسیون تفاهم دوباره با الهام هاشمی، سرمربی تیم ملی به این راحتی‌ها هم نبود. هاشمی چند شرط را برای مسئولان فدراسیون گذاشت و با اینکه مسئولان فدراسیون به صورت شفاهی اعلام می‌کردند که مشکلی برای عقد دوباره قرارداد ندارند اما امضای این قرارداد تقریباً چهارماه طول کشید چراکه خواست سرمربی تیم ملی این بود که همه موارد در قرارداد منعقد شود و فدراسیون متعهدانه برای رفع موانع موجود در تیم ملی قدم بردارد.

هاشمی در این مدت تأکید می‌کرد که مشکلش مبلغ قراردادش نیست و حاضر است با حقوق قبل به کارش ادامه دهد اما مشکلاتی مثل فشنگ باید رفع شود. با تازمان شیوع ویروس کرونا، ایران در برگزاری رقابت‌های آنلاین قدم‌های مؤثری بردارد. حضور در اردوهای برون مرزی هم یکی دیگر از خواسته‌های فنی هاشمی بود که مشخص نیست چرا فدراسیون تیراندازی برای برآورده کردن این شرایط که از الزامات اساسی کسب موفقیت در المپیک است، تردید داشت.

البته موضوع فشنگ چیزی است که مسئولان وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک هم تأکید داشتند که از توان فدراسیون خارج است اما به هر حال باید راه حلی پیدا می‌شد و حالا که این قرارداد امضا شده؛ باید دید فدراسیون چطور می‌خواهد این مشکل را رفع کند.

در این مدت مسئولان وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک، چند جلسه با دو طرف داشتند تا در فاصله چند ماه مانده به المپیک شرایط در این تیم به هم نخورد و حالا این خواسته عملی شده است. با این حساب ملی‌پوشان تیراندازی که آنها هم به نشانه قهر، تمرینات را رها کرده بودند، از هفته جاری زیر نظر الهام هاشمی تمرینات خود را آغاز می‌کنند تا این زمانی که از دست رفته را جبران کنند.